مسئولیت‌پذیری باید از سنین کودکی آموزش داده شود؛

والدین آموزش‌دهنده و بایدها و نبایدهای نقش‌آفرینی فرزندان

نظام آموزشی ما آموزشی صرف بوده و پرورشی نیست

سپهرغرب، گروه خانواده - آذین رضایی: یک مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی با بیان اینکه اجرای نقش فرزندان، همراه با بایدها و نبایدهایی است که والدین به فرزندان آموزش می‌دهند، گفت: هر خانواده بنابر الگوی تربیتی که دارد بایدها و نبایدها را تعریف می‌کند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی دغدغه فرد در مورد رفاه دیگران، نگرش مسئولانه نسبت به آن‌ها، احساس وظیفه، مشارکت مدنی و جلوگیری از رفتارهای مخرب است؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا هویت خود را به‌عنوان عضوی از جامعه تثبیت کنند.

پرورش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کودکان و نوجوانان به رشد مهارت‌های اجتماعی آن‌ها مربوط می‌شود و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به‌عنوان یک شهروند عضوی فعال و مسئول باشند.

نوجوانان و جوانان آینده‌سازان یک کشور هستند و حس مسئولیت‌پذیری هر فردی هم‌زمان با رشد او باید رشد کند؛ افرادی که در دوره کودکی و نوجوانی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی دارند، کمتر دچار رفتارهای مخرب در جامعه می‌شوند و تمایل دارند افراد مؤثری در جامعه باشند و نسبت به دیگران به موفقیت بیشتری در این زمینه دست یابند.

اما ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در افراد نیازمند تربیت صحیح و آموختن برخی مسائل مهم در زندگی است که این مهم به عهده والدین بوده و در این راستا با یک مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی گفت‌وگو کردیم.

محمدرضا ایمانی در گفت‌وگو با خبرنگار ما یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای تربیت، رشد و تعالی فرزندان را فرآیند تربیتی آن‌ها در بعد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانست و اظهار کرد: مسئولیت‌پذیری را می‌توان به قطعات کوچک‌تر مسئولیت در قبال خود و موضوعات شخصی، مسئولیت در قبال خانواده و مسئولیت‌های اجتماعی تقسیم کرد.

وی با بیان اینکه سه محور عنوان‌شده در مسئولیت‌پذیری می‌تواند پایه‌ای باشد که فرزندان به‌تدریج از کودکی، موضوعات مرتبط با خود و نقش‌آفرینی در این موارد را یاد بگیرند، گفت: این اجرای نقش همراه با بایدها و نبایدهایی است که والدین به فرزندان آموزش می‌دهند.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی بیان کرد: این بایدها و نبایدها از قوانین و چارچوب‌هایی است که در درون زندگی ترسیم می‌کنیم؛ هر خانواده بنابر الگوی تربیتی که دارد بایدها و نبایدها را تعریف می‌کند.

ایمانی با بیان اینکه اگر فرزندان از بایدها و نبایدها پیروی کنند و یا نکنند متناسب با آن از تشویق‌ها و تنبیه‌هایی بهره‌مند می‌شوند، افزود: تشویق و تنبیه‌ها می‌تواند، عاطفی، جسمانی، اقتصادی و یا موارد دیگری باشد که به نوع خانواده برمی‌گردد.

وی با تأکید بر اینکه ترجیحاً تنبیه‌های جسمانی را به‌هیچ‌عنوان توصیه نمی‌کنیم، تصریح کرد: این‌گونه تنبیه‌ها مخرب و آسیب‌زا هستند و در فرآیند اجتماعی شدن فرزندان نیز می‌تواند تأثیر نامطلوبی داشته باشد.

وی شکل‌گیری ارتباط صمیمانه و عاطفی بین والدین با فرزندان را یکی از موضوعاتی دانست که هم‌زمان با رشد و نمو فرزندان به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی با آن مواجه هستیم، ادامه داد: آغاز گسست خانواده و دوری کردن فرزندان از خانواده در سن نوجوانی در دختران و پسران شکل می‌گیرد.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی خاطرنشان کرد: هم‌زمان با دوره بلوغ نوجوانان دوست دارند از خانواده جدا و تنها بوده و در جمع دوستان باشند و ارتباط صمیمانه با گروه هم‌سالان توسعه‌یافته و پنهان‌کاری و معذوریت‌هایی با والدین دارند.

ایمانی با بیان اینکه اگر ارتباط صمیمانه و درست بین والدین با فرزندان شکل بگیرد، فرزندان به پدر و مادر پناه می‌آورند، یادآور شد: آن زمان توصیه‌ها و ارتباط دوستانه می‌تواند کمک کند فرزند در فرآیند رشد جامع‌پذیرتر و دقیق‌تر بوده و از تجارب والدین بهتر استفاده کنند.

وی با تأکید بر اینکه اگر والدین نتوانند ارتباط صمیمانه را شکل دهند، فرزندان دورتر شده و فرآیند اجتماعی شدن خارج از خانواده شکل می‌گیرد، اظهار کرد: اینجاست که می‌گوییم فرزند با خانواده ناسازگار و ناهماهنگ بوده و کوک نیست.

وی با بیان اینکه در دوران نوجوانی برای فرزندان دختر و پسر جشن بلوغ برگزار کنیم، گفت: این امر فوق‌العاده تأثیرگذار در ایجاد صمیمیت و ارتباط است و ترس فرزندان به‌ویژه در دختران از بین می‌رود.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی بیان کرد: هم‌زمان با این فرآیندها می‌توانیم برای فرزندان ایجاد انگیزه کنیم که به یکسری از قابلیت‌ها دست پیدا کنند؛ این قابلیت‌ها زمانی شکل می‌گیرد که پول‌توجیبی به آن‌ها می‌دهیم و می‌تواند مدیریت هزینه‌های خود را به عهده بگیرند.

ایمانی با بیان اینکه مسئولیت‌هایی از کارهای خانه را به عهده فرزندان بگذارید، افزود: در این صورت نسبت به خرید کردن، مدیریت هزینه‌ها و قرار گرفتن در صف و خرید، مسئولیت‌پذیر بار می‌آیند.

وی با تأکید بر اینکه زمانی که فرزندان در موقعیت‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند پذیرش این موقعیت‌ها برای آن‌ها آسان‌تر می‌شود، تصریح کرد: با واگذاری برخی مسئولیت‌ها به فرزندان آستانه تحمل آن‌ها بالاتر و کنترل احساسات به سامان‌تر و درست‌تر شده و بهتر و مناسب‌تر در جایگاه اجتماعی همچون مراسم جشن، ازدواج و ختم قرار می‌گیرند.

وی با بیان اینکه هم‌زمان با وقتی‌که فرزندان را در موقعیت‌های مختلف قرار می‌دهیم آن‌ها در حال اجتماعی شدن هستند، ادامه داد: در این صورت نیاز نیست به آن‌ها حرفی بزنیم، یاد می‌گیرند؛ به‌عنوان‌مثال وقتی در ترافیک پشت فرمان آرام باشند و بتوانند هیجانات و عصبانیت‌های خود را کنترل کرده و واکنش‌های درست و صحیح از خود نشان دهند.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی خاطرنشان کرد: هم‌زمان با رشد فرزندان، والدین مواردی را به‌طور غیرمستقیم به آن‌ها آموزش می‌دهند؛ فرزندان یاد می‌گیرند با موارد اضطراری در زندگی چگونه برخورد کنند.

ایمانی با تأکید بر اینکه باید به فرزندان از سنین کودکی آموزش دهیم که در قبال سلامت خود مسئولیت‌پذیر باشند، یادآور شد: اگر در نوجوانی برای آن‌ها زمان‌هایی را برای برنامه‌های ورزشی، هنری و آموزشی تعریف کنیم باعث قاعده‌مندی و ارتباطات مناسب آن‌ها می‌شود.

وی با بیان اینکه والدین باید با فعالیت‌های دوستانه، دوستان فرزندان خود را شناخته و با آن‌ها ارتباط برقرار کنند، اظهار کرد: با این اقدام کمک می‌کنیم فرزندان بتوانند در قبال دوستان، موارد عاطفی با دوستان و ارتباطات اجتماعی با دوستان و مدرسه مسئولیت خود را به‌ویژه در کارهای جمعی و اردوها اجرا کنند؛ این مهم سبب می‌شود فرزندان در قهر و آشتی‌ها و تعاملات چیزهای بسیاری بیاموزند.

وی با تأکید بر اینکه باید برای فرزندان در بازی‌ها، قصه گفتن‌ها، کارها و سفر رفتن‌ها، مسائلی را طراحی کنیم که به سمت حل مسئله بروند، گفت: با این مهم قدرت حل مسئله را به فرزندان بیاموزیم.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی بیان کرد: اگر بچه‌ها را توأم با عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس آشنا کنیم، آن‌ها با احساس بهتر در اجتماع و جمع‌های مختلف می‌توانند صحبت کرده و حل مسئله داشته باشند و از موضوع در ذهن خود به‌خوبی دفاع کنند.

ایمانی با بیان اینکه وقتی فرزندان را در اجتماع و جمعی تکریم کنیم این رفتار به خود ما بازمی‌گردد، افزود: در این صورت فرزندان نیز یاد می‌گیرند با دیگران محترمانه رفتار کنند و با رشد عزت‌نفس می‌توانند مسئولیت‌های بهتر و مناسب‌تری را در زندگی داشته باشند.

وی با تأکید بر اینکه اگر تمام موارد عنوان‌شده در چارچوب تقسیم‌کار شکل بگیرد، فرزندان شایسته‌تر، برومندتر و مناسب‌تر رفتار می‌کنند، تصریح کرد: تمام این موارد نیز به این بازمی‌گردد که مکانیسم تشویقی و تنبیهی والدین چیست؛ وقتی تشویق‌ها و تنبیه‌ها را به سمت موارد مالی می‌بریم آسیب‌زا خواهد بود چراکه فرزندان یاد می‌گیرند در قبال هر کاری که انجام می‌دهند، پاداش بگیرند.

وی با بیان اینکه وقتی مسائل و موضوعات را عاطفی و روانی شکل دهیم، عزت‌نفس موضوعی است که نمی‌توانیم روی آن قیمتی بگذاریم، ادامه داد: در این صورت فرزندان ما می‌توانند به موفقیت‌های بزرگ‌تری دست پیدا کنند.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی خاطرنشان کرد: در تمام موارد عنوان‌شده هوش عاطفی و ارتباطی را به فرزندان می‌آموزیم و تمام این‌ها در کنار هم سواد زندگی می‌شود و اگر سواد زندگی کردن را به بچه‌ها یاد بدهیم یکی از موضوعات آن مسئولیت اجتماعی است.

ایمانی یادآور شد: آنجایی که به فرزندان به‌ویژه در جمع توهین کرده، آن‌ها را سرزنش و یا مدام نصیحت می‌کنیم و عزت‌نفس آن‌ها را مورد هدف قرار داده، بچه‌ها را تنبیه کرده و از الفاظ ناشایست استفاده می‌کنیم، دقیقاً جایی است که بچه‌ها را تحقیر کرده و باعث عدم رشد آن‌ها می‌شویم.

وی اظهار کرد: چنین فرزندانی ازنظر اجتماعی گریزان بوده، رفتارهای نابهنجار بروز داده، با والدین درگیر شده و در فرآیند اجتماعی شدن با مشکلات بسیاری مواجه هستند یا انزواطلب و آسیب‌پذیر و یا آسیب‌رسان هستند.

وی با بیان اینکه این ما هستیم که به‌عنوان پدر و مادر چه چیزی را از درون خود بروز می‌دهیم، گفت: فرزندان ما لوح پاک سفید و نعمتی هستند که از سوی خداوند به ما اعطا شده‌اند و باید لیاقت پدر و مادر شدن داشته باشیم.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی بیان کرد: اگر به‌درستی و شایستگی با فرزندان رفتار کنیم، رشد پیدا خواهند کرد و مهارت‌های زندگی کسب شده به‌هیچ‌وجه ارتباطی با تحصیلات دانشگاهی ندارد و این تحصیلات ممکن است کمک‌کننده باشد.

ایمانی افزود: برخی از افراد تحصیلات دانشگاهی ندارند اما به‌خوبی و شایستگی توانسته‌اند فرزندان خود را پرورش داده و فرزندان آن‌ها افراد موفقی در جامعه هستند.

وی تصریح کرد: خانواده‌ها در دو دهه گذشته، ناشی از مشکلات و بحران‌های دهه ۵۰ و ۶۰ و بروز کم‌وکاستی‌ها و بسیاری از امکانات و فنّاوری‌ها را در اختیار نداشتند و به‌دلیل محروم بودن از برخی موضوعات به این سمت روی آوردند که فرزندان خود را برخوردار کنند.

وی با بیان اینکه بچه‌ها اکنون ازنظر امکانات و فناوری پربرخوردار اما ازنظر اجتماعی شدن، قانونمند بودن، سلامت و رفتارهای اجتماعی توأم با یکسری ناسازگاری‌های فراوان هستند که برآمده از نوع تربیت است، ادامه داد: فرآیند امروز جامعه نیز خانواده‌ها را ناگزیر کرده تحت تأثیر این فشار از برخی هنجارهای خود عدول کنند.

مشاور خانواده و مدرس دوره‌های مهارت زندگی خاطرنشان کرد: به‌عنوان‌مثال فرآیند ارائه آموزش‌های مجازی با توجه به شرایط پیش‌آمده و قرار دادن گوشی و تبلت در اختیار فرزندان، مطلوب نبوده و آسیب‌زا است اما این اجبار اجتماعی شکل گرفته است.

ایمانی با بیان اینکه برخی از طبقات اجتماع اگر محروم هم بودند تحت‌فشار برای فرزندان خود گوشی تلفن همراه و تبلت تأمین کردند، یادآور شد: خانواده‌هایی که قادر به تأمین نبودند نیز با مشکلاتی مواجه شدند که بحران‌های دردآور و شکاف اجتماعی در جامعه شکل گرفت.

وی با تأکید بر اینکه ناهمسانی سبب شده جو آموزشی و تربیتی عجیبی در کشور شکل بگیرد، اظهار کرد: مدارس ما حدود ۳۰ سال پیش همسان و نهایتاً به‌صورت دولتی و نمونه مردمی بودند و همه فرزندان از باهوش و متوسط، طبقات کم برخوردار تا پربرخوردار و از طبقات فرهنگی تا کارگری در مدارس یکسان رشد پیدا می‌کردند و علاقه‌ها، دوستی‌ها و یادگیری‌ها باعث می‌شد با بسیاری از موضوعات جامعه دمخور باشند.

وی با بیان اینکه نوع‌دوستی و انسان‌دوستی در آن زمان جای خود را داشت، گفت: اکنون تفاخر و طبقات اجتماعی جایگزین این موضوع شده است؛ این تفاخر و فاصله اجتماعی شکل‌گرفته بین بچه‌ها، متأسفانه جامعه را به سمت خوبی نمی‌برد.

این مشاور خانواده بیان کرد: ضمن اینکه خانواده‌ها هزینه زیادی می‌کنند اما بچه‌ها با بسیاری از موضوعات اجتماعی مواجه و آشنا نیستند و نمی‌دانند چه مشکلات و چالش‌هایی وجود دارد؛ این یکی از نکاتی است که متأسفانه در نظام آموزشی ما شکل گرفته است.

ایمانی با تأکید بر اینکه نظام آموزشی ما صرفاً نظام آموزشی بوده و آموزشی و پرورشی نیست، افزود: این مهم به این معناست که اولویت روی مسائل آموزشی قرار گرفته و این شده که افراد هزینه کرده و کنکور قبول شوند.

وی با بیان اینکه همه رقابت می‌کنند که نهایتاً آن شغل و درآمدی که می‌خواهند را کسب کنند، تصریح کرد: اما متأسفانه مسائل پرورشی کمک‌کننده به دانایی و خردمندی، ارتباطات اجتماعی مناسب، رفتار پسندیده، قانونمندی و ضابطه‌مندی را کنار گذاشته‌ایم و این امر باعث می‌شود فرزندان رشد تربیتی همسان و مناسب نداشته باشند.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای تربیت، رشد و تعالی فرزندان فرآیند تربیتی آن‌ها در بعد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری بوده و مسئولیت در قبال خود و موضوعات شخصی، مسئولیت در قبال خانواده و مسئولیت‌های اجتماعی ازجمله این موارد است که می‌تواند پایه‌ای باشد که فرزندان به‌تدریج از کودکی، موضوعات مرتبط با خود و نقش‌آفرینی در این موارد را یاد بگیرند؛ این اجرای نقش همراه با بایدها و نبایدهایی است که والدین به فرزندان آموزش می‌دهند.

روش تربیت والدین نخستین و اصلی‌ترین منبع شناخته شده در پرورش مسئولیت‌پذیری اجتماعی بوده و بهتر است برای پرورش حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی بایدها و نبایدهایی را رعایت کنند که هر خانواده بنابر الگوی تربیتی که دارد، بایدها و نبایدها را تعریف می‌کند.

نقش توجه به معیارهای همسرگزینی در فرزندآوری خانواده‌ها

سپهرغرب، گروه خانواده: خانواده به‌عنوان بنیان اصلی جامعه، در طول تاریخ، تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی دگرگون شده است؛ به‌طور حتم مسائل خانواده‌های امروز ایرانی با خانواده پنجاه یا صدسال پیش تفاوت‌های عمده‌ای دارد.

انسان‌ها در زندگی دارای حقوقی هستند که یکی از اساسی‌ترین حقوق هر انسان آزادی در انتخاب است؛ به این دلیل آزادی در انتخاب مهم است که در پی انتخاب ما، مسئولیت به‌وجود می‌آید و این مسئولیت درواقع صرفاً متوجه خودمان می‌شود. گاهی اوقات ما تصمیم‌هایی در زندگی‌مان می‌گیریم که این تصمیم‌ها نه‌تنها در روند زندگی و سرنوشت ما تأثیرگذار است، بلکه سرنوشت زندگی بقیه را هم تغییر می‌دهد، به همین دلیل یکی از تصمیم‌های بسیار مهم در زندگی ازدواج است و این‌که ما بر مبنای چه‌چیزی ازدواج می‌کنیم؛ چراکه این تصمیم در ادامه بر روند رشد و تربیت یک یا چند انسان دیگر به‌عنوان فرزندان این زوج مؤثر خواهد بود.

در فرایند ازدواج فرد باید به چند عامل توجه کند: نخستین عامل جذابیت‌های جسمانی و ظاهری است. اکثر افراد دوست دارند کنار شخصی با ظاهری جذاب و زیبا زندگی کنند و حتی خود ما هم دوست داریم با فردی ازدواج کنیم که زیبایی قابل قبولی داشته باشد.

دومین نوع جذابیت، جذابیت‌های موقعیتی است مثلاً اکثر افراد دوست دارند بگویند «پدر یا مادر من پزشک یا مهندس است» یا اینکه بگویند «ما در وضعیت مالی بسیار خوبی قرار داریم» و همه این‌ها در فرایند فرزندآوری مؤثر است، به این دلیل جذابیت‌های موقعیتی مثل تحصیلات، شغل، جایگاه اجتماعی، جایگاه خانوادگی و بعد مالی مهم است که فرزند ما بتواند در آینده به ما افتخار کند.

سومین جذابیت، جذابیت‌های شخصیتی است که قطعاً این مهم‌ترین بعد و ملاک جهت انتخاب است، در فرآیند انتخاب همسر مهم‌ترین ملاک باید ملاک شخصیتی باشد تا ملاک ظاهری، یعنی با شخصی ازدواج کنیم که ویژگی‌های شخصیتی خوبی را دارا باشد، مثلاً زمانی که ما وارد پروسه ازدواج می‌شویم بعد شخصیتی فرد به ما می‌گوید؛ چگونه انسانی است؟ وقتی به مشکلی برمی‌خورد چگونه مشکلات خود را حل می‌کند؟ چگونه نیازهای خود را برآورده می‌کند؟ آیین و دین این شخص چگونه است؟ در ارتباط با آدم‌ها، اخلاق و رفتار این شخص چگونه است؟ چه در ارتباط با من که همسرش هستم چه در ارتباط با بچه‌ها چگونه رفتار می‌کند؟ جواب همه این سؤال‌ها از بعد شخصیتی سرچشمه می‌گیرد.

عامل چهارم عامل شباهت‌ها و عامل پنجم عامل تفاوت‌ها است که یکی از این دو ملاک برای انتخاب کافی است؛ خدا انسان‌ها را به‌گونه‌ای خلق کرده است که تفاوت‌های فردی بین آن‌ها وجود دارد اما گاهی اوقات جذابیت‌های شباهتی، شخص را جذب دیگران می‌کند، این بدین معناست که هرکسی که شبیه به او باشد ما آن شخص را دوست داریم مثلاً اگر که درون‌گرا باشیم درون‌گرا دوست داریم و اگر برونگرا باشیم افراد برونگرا را دوست داریم و به‌گونه‌ای جذبش می‌شویم.

مثلاً اگر اهل تفریح باشیم جذب افرادی می‌شویم که اهل تفریح هستند یا اگر به خانه‌نشینی علاقه‌مندیم جذب افرادی می‌شویم که اهل خانه‌نشینی هستند اما بعضی از افراد این‌گونه نیستند و کسانی را دوست دارند که با آن‌ها تفاوت‌های زیادی دارند و همه این‌ها برمی‌گردد به مزاج و تفاوت شخصیت آدم‌ها.

گاهی یک فرد برونگرا دوست دارد با یک فرد درون‌گرا ازدواج کند و گاهی به‌عکس یک انسان برونگرا دوست دارد با یک فرد درون‌گرا ازدواج کند، همه این عوامل قبل از ازدواج تعیین‌کننده هستند و بعد از ازدواج هم نقش بسیار مهمی در زندگی زناشویی دارد، حضور بعضی عوامل کمرنگ‌تر می‌شود مثل جذابیت‌های ظاهری و حضور بعضی عوامل در زندگی پررنگ‌تر می‌شود مثل جذابیت‌های موقعیتی و جذابیت‌های شخصیتی، به همین خاطر همه این‌ها در الگوهای فرزندپروری‌مان نقش دارند.

بعد از ازدواج، آن چیزی که روی شخصیت کودکان اثر می‌گذارد به‌خصوص از زمان تولد تا دوره نوجوانی والدین هستند که بیشترین اثرگذاری را در دوران کودکی دارند.

بیشترین زمانی که کودک می‌گذراند با والدین خویش است. کودکان ما دائماً در حال الگوسازی هستند و این الگوها را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌گیرند. الگوهای مستقیم زمانی شکل می‌گیرد که فرد با کودک خود در ارتباط است، کودک رفتارها و کارهای والد را می‌بیند و الگوبرداری می‌کند اگر والد کار خوبی انجام دهد کودک هم کار خوبی انجام می‌دهد. گاهی اوقات هم الگوبرداری به‌صورت غیرمستقیم است، مثل‌اینکه پدر و مادر کودک را جاهایی می‌برند که با الگوهای خوب روبه‌رو شود، وقتی کودک به جاهایی برود که با کودکان خوبی در ارتباط باشد یا حتی در محیط‌های خوبی قرار بگیرد و در آن محیط‌ها مشاهده کند که به بچه‌ها به‌خاطر کارهای مثبت جایزه و پاداش می‌دهند؛ در مقابل کودک ما هم از این رفتار خوب الگوبرداری می‌کند، به این روش الگوبرداری غیرمستقیم می‌گویند. عمیق‌ترین تأثیر این روابط را والدین روی کودکان می‌گذارند مخصوصاً مراقب اولیه که معمولاً مادر است.

کودک به رفتار والدین خود توجه می‌کند و اگر رفتاری از طرف والدین مورد تأیید و پذیرش باشد، او نیز به تقلید آن رفتار می‌پردازد، همچنین کودک رفتارهایی را بیشتر مورد تقلید قرار می‌دهد که آن رفتارها از طرف فرد موردعلاقه او باشد. کسی که رابطه عاطفی نزدیک‌تری با کودک دارد می‌تواند تأثیر بیشتر به روی تفکرات و ایجاد هویت در کودک بگذارد.

تقلید و تعیین هویت از طرف والدین بر فرزندان کاملاً به‌طور طبیعی اتفاق می‌افتد، بدون اینکه والدین طرح و برنامه برای این موضوع داشته باشند. وقتی فرزندان در سنین کودکی هستند همواره والدین را افرادی ایده‌آل و قهرمان دنیای خویش در نظر می‌گیرند و همیشه این تصور را دارند که والدین قادرند هر کاری را انجام دهند.

ما دو حافظه داریم؛ حافظه شناختی و حافظه هیجانی؛ حافظه هیجانی از زمان تولد فعال است و حافظه شناختی از سه‌سالگی به بعد فعال می‌شود و به‌مرور زمان این حافظه شکل می‌گیرد و در زمان نوجوانی کامل می‌شود، به همین خاطر وقتی والدین در رابطه با فرزندان عملکرد خوبی داشته باشند و الگوهای خوبی باشند همه هیجانات را به‌درستی در کودکان خود ایجاد می‌کنند.

ابعاد شناختی و منطقی درواقع مسائل فهمیدن و دانستن را در بچه‌ها ایجاد می‌کنند بچه با الگوهایی در محیط روبه‌رو می‌شود که همه این‌ها می‌توانند الگوهای برتر در جامعه باشند، به همین سبب نقش والدین بسیار تعیین‌کننده در ایجاد و شکل‌گیری و حفظ و تداوم زیادی در پویایی کودکان ما است.

نجمه هوشیار

خبر

ادامه «کاهش جمعیت فعلی» ایران را مجبور به «مهاجرت‌پذیری» برای تأمین نیروی انسانی می‌کند!

سپهرغرب، گروه خانواده: یک کارشناس آینده‌پژوهی با اشاره به بحران کاهش جمعیت کشور گفت: ما باید سیاست فعال «مهاجرت‌پذیری» داشته باشیم، به‌هرحال ما به لحاظ جمعیت کشوری در آستانه مشکلات هستیم و باید به مهاجرت‌پذیری هم‌فکر کنیم!

مریم اردبیلی با اشاره به کم‌فرزندی خانواده‌ها در کشورمان اظهار کرد: من با این نکته که بچه‌های این نسل باهوش‌ترند، موافق نیستم، هوش ابعاد مختلفی دارد، هوش عاطفی، هوش اجتماعی و مدل یادگیری روابط اجتماعی و خلاقیتی که بچه‌های دهه ۶۰ داشتند، بسیار قوی‌تر از بچه‌های این نسل بود و آن‌هم به‌دلیل تعداد بیشتر بچه‌ها در خانواده‌ها و امکان ایجاد روابط اجتماعی بیشتر بود.

وی ادامه داد: در زمان حاضر امکانات ابعاد بیشتری برای ظهور و بروز استعداد در اختیار فرزندان این نسل قرار می‌دهد که در گذشته وجود نداشت اما هوش دیجیتال بچه‌های امروز بیشتر است به این دلیل که از بدو تولد با آن‌ها زیست کرده و مرزهای فضای مجازی و حقیقی برای آن‌ها برداشته شده است؛ البته بچه‌های امروز باید با هوش مصنوعی، اقتضائات زندگی با ربات و مفاهیم دیجیتالی آشنا شوند و آن‌ها را درک کنند اما سؤال اینجاست؛ آیا داشتن همه امکانات برای یک بچه خوشبختی می‌آورد؟

وی در خصوص شکاف نسلی نیز تصریح کرد: ما همیشه می‌گوییم که هر فاصله و تفاوتی که نسل بعد با ما دارد، شکاف ایجاد می‌کند و این ایراد و اشکال از نسل بعد است درحالی‌که اگر بتوانیم خانواده آینده‌نگر ایجاد کنیم که به تغییر و تحول به چشم فاجعه نگاه نکند، بلکه آن را درک کند و درون خودش بپذیرد و سعی کند با آن همزیستی پیدا کند، اولاً این شکاف شکل نمی‌گیرد و ثانیاً به آن مثبت نگاه می‌شود چون گفته می‌شود؛ «اگر قرار بود نسل بعد از من هم مثل من باشد که نسل نسخه‌بردار و کپی‌برداری بود! پس چه‌خوب که با من متفاوت است اما من چگونه باید شرایط و اقتضائات او و زندگی او را در آینده درک کرده و بتوانم با او تفاهم کنم؟».

عضو گروه آینده‌نگری و نظریه‌پردازی فرهنگستان علوم پزشکی خاطرنشان کرد: در زمان حاضر، خیلی‌ها غبطه گذشته را می‌خورند، این نگاه گذشته‌نگر است درحالی‌که نگاه آینده‌نگر پویاست و تغییر را می‌فهمد بنابراین هم سیاست‌گذار، خبره و متخصص و هم پدر و مادر ما باید تفاوت و تغییر نسل‌ها را درک کند؛ اگر یک روز بچه نوجوان در روی شما ایستاد و خلاف نظر شما حرف زد و استدلال کرد حتی اگر نظرش ناپخته باشد، سجده شکر به‌جا بیاورید که تا یکجایی از تربیت را درست رفتید و بچه شما مقلد شما نشده و هویت مستقلش شکل گرفته است.

اردبیلی گفت: با مادران بسیاری برخورد داشتم که می‌گفتند فکر می‌کردیم نوجوانی یعنی پرخاشگری و گستاخی اما الآن فهمیدیم که این تغییر مثبت است؛ همه‌چیز آموزش نیست، یک بخش زندگی این است که در مسیر زندگی، فرصت تجربه برخی از چیزها را هم داشته باشیم، یک بخش آن آموزش است، یک بخش مهارت است، تفکر انتقادی است، تفکر خلاق است و دیگر اینکه مثلاً اجازه داشته باشیم بدانیم تجربه داشتن سه بچه چگونه است.

وی در خصوص استفاده از نیروهای مهاجر برای تأمین منابع انسانی در آینده نیز عنوان کرد: این ایده خیلی مطرحی در دنیاست و نتیجه مطالعات و بررسی سیاست‌های تطبیقی در کشورها نشان داده است ما باید سیاست فعال مهاجرت‌پذیری داشته باشیم، به‌هرحال ما به‌لحاظ جمعیت کشوری در آستانه مشکلات هستیم و باید به مهاجرت‌پذیری هم فکر کنیم و طبیعتاً اگر بتوانیم از کشورهایی مثل کشورهای همسایه که تمایل دارند به ایران مهاجرت کنند، گزینش خوبی کنیم اتفاق‌های خوبی خواهد افتاد اما نتیجه مطالعات نشان داده است که مهاجرت، سالمندی را کمی به تعویق می‌اندازد، اما چاره نمی‌کند!

مدیرکل بانوان و خانواده استان فارس افزود: ثابت شده است جامعه مهاجرت‌کننده در ابتدا ممکن است بر اساس اصول خود فرزندآوری داشته باشند اما ظرف یک نسل از الگوی جمعیتی کشور میزبان تقلید می‌کند و با آن همراه می‌شوند، چون استعدادهای خوب، نخبگان و افرادی که به‌لحاظ اقتصادی و اجتماعی به سطح مناسبی می‌رسند، اقدام به مهاجرت دوم می‌کنند و از کشور می‌روند، در عین اینکه با سالمندی و تأمین هزینه‌های جمعیت مهاجرت‌کننده بعد از یک نسل روبه‌رو خواهیم بود اما درهرصورت فکر کردن به آن مهم است و این امکان در سیاست‌های کلی جمعیتی ما هم دیده شده است که متناسب با هرم سنی ما از آن‌هم استفاده شود اما در مرتبه اول ما باید بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی خودمان تکیه کنیم.

اردبیلی با تأکید بر وجود تحریم، گرفتاری، سوء مدیریت یادآور شد: با این‌حال چرا باید خودمان را با کم‌فرزندی تحریم کنیم و فرزندانمان را با «سقط‌جنین» به قتل برسانیم، این دیگر خودتحریمی است، این خیلی اتفاق بزرگی است که عمده سقط جنین‌ها به این دلیل است که بارداری طبق برنامه از پیش تعیین‌شده خانواده نبوده است البته بخش دیگری از آن نیز به‌دلیل فقر و مشکلات اقتصادی است، اما آیا اینکه کمی زمان‌بندی من به هم بخورد، می‌ارزد به اینکه انسانی را به قتل برسانم؟!